نفت و انرژی

ظرفیت انتقال گاز کشور برای زمستان افزایش یافت

مدیرعامل شرکت انتقال گاز از افزایش ظرفیت انتقال گاز کشور با بهره‌برداری از بخش‌هایی از خطوط سراسری خبر داد.

به گزارش زمان به نقل از وزارت نفت، پیمان خضرایی -مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران- با اشاره به نزدیک شدن ماه‌های سرد سال افزود: حفظ پایداری شبکه انتقال و آمادگی کامل تأسیسات برای عبور از دوره اوج مصرف زمستان، مهم‌ترین اولویت شرکت انتقال گاز ایران است.

وی با بیان اینکه شرکت انتقال گاز ایران در میانه زنجیره تولید و مصرف گاز قرار دارد، گفت: وظیفه این شرکت انتقال حداکثری گاز تولیدی کشور از مبادی تولید به مراکز مصرف است و باید اطمینان حاصل شود که هیچ بخشی از گاز تولیدشده به دلیل محدودیت‌های شبکه انتقال بدون استفاده نماند.

مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران افزود: برنامه‌های به‌روزرسانی، نوسازی و تعمیرات تأسیسات در دستور کار قرار گرفته و اقدام‌های لازم در حوزه تعمیر و نگهداری انجام شده است؛ همچنین سناریوهای مختلفی برای آرایش شبکه انتقال گاز با توجه به شرایط تولید و مصرف در ماه‌های سرد سال تدوین شده است.

گذر از زمستان گذشته با ۵۵ تغییر در آرایش عملیاتی

خضرایی با اشاره به شرایط خاص زمستان پیش‌رو گفت: با توجه به کاهش بخشی از ظرفیت تولید گاز شیرین کشور در پی آسیب‌های واردشده به پالایشگاه‌های پارس جنوبی، لازم است سناریوهای جدیدی برای مدیریت شبکه انتقال طراحی شود تا امکان تأمین پایدار گاز برای بخش‌های مختلف مصرف، به‌ویژه مشترکان خانگی، فراهم باشد.

وی افزود: شرکت انتقال گاز ایران نقشی در افزایش تولید ندارد، اما موظف است تمام گاز تولیدی را از جنوب کشور به مناطق مختلف از جمله شمال، شمال شرق و مرکز کشور منتقل کند. مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران گفت: شبکه خطوط فشارقوی گاز کشور به‌صورت گسترده و مویرگی طراحی شده است تا امکان تغییر آرایش شبکه، پایداری و استمرار حداکثری انتقال فراهم باشد.

خضرایی با اشاره به تجربه زمستان گذشته گفت: پارسال با وجود افزایش قابل توجه مصرف خانگی، با اجرای ۵۵ تغییر آرایش عملیاتی درمناطق مختلف کشور و استقرار شبانه‌روزی نیروهای عملیاتی در مناطق سخت‌گذر، مدیریت شبکه و تأمین گاز مصرف‌کنندگان انجام شد.

وی افزود: پیش‌بینی می‌شود شرایط زمستان امسال دشوارتر باشد و به همین دلیل احتمال افزایش تعداد نقاط عملیاتی و تغییر آرایش‌های شبکه وجود دارد تا پایداری انتقال گاز حفظ شود.

آغاز به کار منطقه ۱۱ عملیات انتقال گاز برای سیستان و بلوچستان

مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران از برنامه استقلال منطقه ۱۱ عملیات انتقال گاز خبر داد و گفت: این منطقه که حوزه سیستان و بلوچستان را پوشش می‌دهد، به‌زودی به‌عنوان منطقه‌ای مستقل فعالیت خود را آغاز خواهد کرد.

خضرایی افزود: با توجه به وسعت جغرافیایی منطقه، فاصله زیاد تأسیسات و ورود توسعه صنایع و مصرف‌کنندگان در استان سیستان و بلوچستان، به‌ویژه در چابهار، استقلال منطقه ۱۱ می‌تواند زمینه مدیریت مؤثرتر شبکه و تسریع اجرای برنامه‌های توسعه‌ای را فراهم کند.

افزایش ظرفیت انتقال گاز با بهره‌برداری از از خطوط سراسری جدید، ایستگاه‌های تقویت فشار و اجرای طرح‌های توسازی

وی درباره آمادگی شبکه انتقال برای ماه‌های سرد سال گفت: افزون بر اقدامات تعمیر و نگهداری و آمادگی تأسیسات، خطوط انتقال و ایستگاه‌های تقویت فشار، برنامه‌های دیگری نیز برای ارتقای قابلیت‌های انتقال و پایداری شبکه اجرا شده است.

مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران افزود: بخشی از خط نهم سراسری به بهره‌برداری رسیده و فاز دوم یکی از خطوط مهم انتقال گاز کشور نیز امسال وارد چرخه می‌شود که نقش مهمی در تقویت انتقال گاز به مناطق شرقی کشور خواهد داشت. خضرایی گفت: لمدادی ایستگاه تقویت فشار جدید نیز وارد چرخه شده‌اند که ظرفیت انتقال گاز کشور را نسبت به پارسال افزایش می‌دهند.

مدیرعامل شرکت انتقال گاز ایران با اشاره به اقدامات عملیاتی انجام‌شده افزود: ظرفیت‌های جدید در کنار مانورهای عملیاتی و تغییر آرایش شبکه می‌تواند به بهبود شرایط انتقال گاز در اوج مصرف کمک کند. وی گفت: برخی تعمیرات که در گذشته نیازمند قطع گاز، برشکاری خطوط و تخلیه بخشی از گاز به محیط بود، با استفاده از روش‌ها و فناوری‌های جدید، بدون قطع جریان گاز و بدون تخلیه گاز به محیط انجام شده است.

خضرایی افزود: این اقدام افزون بر جلوگیری از توقف انتقال گاز، موجب صرفه‌جویی و جلوگیری از هدررفت گاز شده است.

توسعه تیروگاه‌های خورشیدی در تأسیسات انتقال گاز

وی با اشاره به برنامه‌های مدیریت انرژی در تأسیسات انتقال گاز گفت: شاخص‌های مدیریت انرژی به‌صورت یکپارچه در کشور طراحی و اجرا شده و استفاده از نیروگاه‌های خورشیدی در این تأسیسات نیز در دستور کار قرار گرفته است.

افزایش قیمت کالاهای اساسی در مرحله نخست:

برنامه افزایش رقم کالابرگ مشخص شد

علیرغم رشد نرخ واردات کالاهای اساسی ازحدود ۱۱۰هزار به ۱۵۰ هزار تومان، اعتبار یک میلیون تومانی کالابرگ رشد نکرد.

به گزارش زمان به نقل ازاقتصادنیوز، وزیر امور اقتصادی و دارایی با اشاره به برنامه دولت برای حمایت از سبدبخت خانوارها از احتمال افزایش اعتبار کالابرگ برای بخشی از مردم در نیمه دوم سال خبر داد؛ موضوعی که در شرایط افزایش قیمت کالاهای اساسی و رشد قابل توجه نرخ ارز تأمین این کالاها بار دیگر بحث درباره ثابت ماندن اعتبار کالابرگ را مطرح کرده است. مدنی‌زاده در این باره گفت: سومین محور، حمایت از سبدبخت خانوارهاست. همان‌طور که دولت قول داده بود، در صورتی که سبد کالابرگ با افزایش قیمت مواجه شود، دولت از این موضوع حمایت خواهد کرد. وی افزود: واقعیت این است که در ماه‌های ابتدایی سال، شوک درآمدی ناشی از کاهش درآمد نفت و به‌خصوص موضوع گاز که مورد هجمه و بمباران قرار گرفت، منابعی را که می‌توانست طبق قانون بودجه برای تأمین کالابرگ اختصاص پیدا کند، تحت تأثیر قرار داد.وزیر اقتصاد ادامه داد: با این حال، از منابع دیگری تأمین کردیم تا همان کالابرگ پرداخت شود و ان‌شاءالله برنامه ما این است که از نیمه دوم سال، حداقل برای اقشاری از مردم، افزایش کالابرگ را داشته باشیم. طرح کالابرگ الکترونیکی از دی‌ماه سال گذشته با تأمین اعتباری معادل ۲.۵ میلیارد دلار آغاز شد و بر اساس این طرح، برای حدود ۸۳ میلیون نفر به‌صورت ماهانه یک میلیون تومان اعتبار خرید کالا در نظر گرفته شدیکی از اهداف اجرای این طرح، حفظ قدرت خرید خانوارها در برابر تغییرات قیمت کالاهای اساسی بود؛ به این معنا که با افزایش قیمت سبد مشمول کالابرگ، اعتبار تخصیصی نیز متناسب با افزایش هزینه تأمین این کالاها اصلاح شود. با این حال، اکنون حدود ۹ ماه از آغاز اجرای طرح گذشته و رقم اعتبار یک میلیون تومانی کالابرگ افزایش پیدا نکرده است؛ این در حالی است که هزینه تأمین کالاهای اساسی در این مدت تحت تأثیر تغییر نرخ ارز واردات افزایش یافته است.در مقطع آغاز طرح کالابرگ، نرخ ارز مورد استفاده برای واردات کالاهای اساسی حدود ۱۱۰ هزار تومان بود، اما این نرخ اکنون به حدود ۱۵۰ هزار تومان رسیده است؛ افزایشی که به‌معنای رشد قابل توجه ریالی منابع مورد نیاز برای واردات کالاهای اساسی و همچنین افزایش درآمدهای حاصل از فروش این کالاها در داخل کشور است.

بر این اساس، با وجود افزایش نرخ ارز و رشد درآمدهای ریالی حاصل از تأمین و فروش کالاهای اساسی، اعتبار کالابرگ خانوارها طی ماه‌های گذشته بدون تغییر باقی مانده است.اکنون اظهارات جدید وزیر اقتصاد درباره افزایش اعتبار کالابرگ در نیمه دوم سال، می‌تواند نشانه‌ای از تغییر در این روند باشد؛ هرچند مدنی‌زاده تأکید کرده است که این افزایش حداقل در مرحله نخست برای «اقشاری از مردم» اعمال خواهد شد و هنوز میزان افزایش اعتبار، تعداد مشمولان و زمان دقیق اجرای آن اعلام نشده است. به نظر می‌رسد با توجه به افزایش قیمت سبد کالاهای اساسی و فاصله گرفتن نرخ فعلی ارز واردات از سطح ۱۱۰ هزار تومانی ابتدای اجرای طرح، یکی از مطالبات اصلی در ماه‌های آینده، مشخص شدن سازوکار افزایش اعتبار کالابرگ و میزان جبران کاهش قدرت خرید خانوارهای مشمول باشد.

کشت فراسرزمینی؛ پشتوانه امنیت غذایی در روزهای بحران

فائزه حیدری - امنیت غذایی در شرایط عادی عمدتاً با میزان تولید، ذخایر و توان واردات سنجیده می‌شود، اما در شرایط جنگ، تحریم یا اختلال در مسیرهای تجاری، مسئله شکل دیگری پیدا می‌کند؛ زیرا ممکن است کالایی در بازار جهانی وجود داشته باشد، اما امکان انتقال آن به کشور فراهم نباشد. تجربه بحران‌های اخیر نیز نشان داده است که جنگ می‌تواند همزمان مسیرهای حمل‌ونقل، بازار کرد و نهاده‌ها و قیمت مواد غذایی را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین شرایطی، کشت فراسرزمینی می‌تواند یکی از ابزارهای کاهش آسیب‌پذیری زنجیره تأمین تلقی باشد؛ البته به شرط آنکه جایگزین تولید داخلی نشود و به شکل شبکه‌ای و متنوع دنبال شود.

تولید در جغرافیای دیگر

مدیرکل دفتر امور بین‌الملل و سازمان‌های تخصصی وزارت جهاد کشاورزی اخیراً از رایزنان اقتصادی ایران در خارج از کشور خواسته است کشت فراسرزمینی را در فهرست مذاکرات خود قرار دهند. حسن مومنی با اشاره به محدودیت منابع آب و خاک کشور، توسعه کشاورزی فراسرزمینی و سرمایه‌گذاری مشترک را یکی از محورهای مهم دیپلماسی کشاورزی دانسته است. این نگاه از یک واقعیت اقتصادی نشأت می‌گیرد: ایران برای افزایش تولید کشاورزی دیگر نمی‌تواند صرفاً به گسترش سطح زیرکشت داخلی تکیه کند. محدودیت آب و خاک، تغییرات اقلیمی و هزینه بالای تأمین برخی نهاده‌ها، ضرورت افزایش بهره‌وری و در کنار آن استفاده از ظرفیت تولیدی کشورهای دیگر را بیشتر کرده است. کشت فراسرزمینی در ساده‌ترین تعریف یعنی انتقال بخشی از فرآیند تولید محصولات کشاورزی به کشورهایی که زمین، آب، اقلیم یا فناوری مناسب‌تری دارند و سپس استفاده از محصول یا بخشی از زنجیره ارزش آن در کشور سرمایه‌گذار. بنابراین اگر این سیاست با سرمایه‌گذاری مشترک و انتقال فناوری همراه شود، صرفاً یک قرارداد کشاورزی نیست؛ بلکه می‌تواند به بخشی از دیپلماسی اقتصادی تبدیل شود.

مزیت در روزهای محاصره

مزیت مهم‌تر این مدل در شرایط بحرانی آشکار می‌شود. اگر تمام تولید یا تأمین یک محصول به یک منطقه یا یک مسیر تجاری وابسته باشد، جنگ یا بسته‌شدن یک مسیر می‌تواند کل زنجیره را تحت فشار قرار دهد. اما پراکندگی تولید در صورت طراحی صحیح، می‌تواند بخشی از این ریسک را کاهش دهد. نمونه منطقه‌ای این موضوع، کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند که به دلیل وابستگی بالای خود به واردات تقلا از سال‌ها قبل به سرمایه‌گذاری در کشاورزی خارج از مرزهایشان روی آورده‌اند. در جریان بحران اخیر نیز اختلال در کشتیرانی و تردد در تنگه هرمز، اهمیت این راهبرد را بیشتر آشکار کرد. رویترز گزارش داده است که کشورهای خلیج فارس در واکنش به بحران‌های گذشته، از جمله بحران جهانی تقلای ۲۰۰۸، به کشاورزی خارجی روی آورده بودند. اما جنگ و اختلال مسیرهای دریایی همچنان این راهبرد را با آزمون جدی مواجه کرده است.

بنابراین کشت فراسرزمینی می‌تواند برای ایران سه مزیت داشته باشد: کاهش فشار بر منابع آب و خاک، تنوع‌بخشی به منابع تولید و ایجاد یک لایه پشتیبان برای امنیت تجاری در زمان بحران. اگر تولید یک محصول در چند کشور و با چند مسیر انتقال انجام شود، از کار افتادن یک مسیر لزوماً به معنای توقف کامل تأمین نیست.

اما شمشیر دولبه

با این حال، کشت فراسرزمینی نباید به‌عنوان راهکاری بدون ریسک معرفی شود. تولید در خارج از مرزها خود به معنای وابستگی به کشور میزبان است. تغییر دولت، بحران سیاسی، وضع محدودیت صادراتی، تحریم، ناامنی یا حتی بسته‌شدن مرزها می‌تواند دسترسی ایران به محصول تولیدشده را مختل کند. از سوی دیگر، اگر محصول در خارج تولید شود اما مسیر انتقال آن به ایران از یک تنگه، بندر یا مسیر محدود عبور کند، بخشی از مزیت امنیتی این سیاست از بین می‌رود. تجربه جنگ‌های اخیر نشان داده است که اختلال در بنادر و مسیرهای دریایی می‌تواند حتی تولیدکنندگان بزرگ تقلات را نیز با مشکل صادرات مواجه کند.

به همین دلیل، کشت فراسرزمینی زمانی برای ایران ارزش امنیتی پیدا می‌کند که همراه با تنوع کشورها، تنوع مسیرهای حمل‌ونقل، قراردادهای بلندمدت، ذخایر راهبردی و زیرساخت‌های لجستیکی باشد. در تغیر این صورت، ممکن است وابستگی از «واردات محصول» به «وابستگی به زمین و دولت خارجی» تغییر شکل دهد.

شبکه‌ای برای روزهای سخت

در همین چارچوب، تأکید وزارت جهاد کشاورزی بر نقش رایزنان اقتصادی اهمیت پیدا می‌کند. مومنی معتقد است رایزنان باید ظرفیت کشورهای مختلف را برای کشت فراسرزمینی، انتقال فناوری، جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد همکاری‌های مشترک شناسایی کنند. او همچنین بر ظرفیت بازار داخلی ایران با جمعیتی حدود ۹۰ میلیون نفر تأکید کرده و آشنایی نمایندگان اقتصادی کشور با توان علمی و فناورانه بخش کشاورزی را ضروری دانسته است. ایران نیز قرار نیست صرفاً مصرف‌کننده ظرفیت کشاورزی سایر کشورها باشد. حرکت دو تا سه دهه اخیر به سمت کشاورزی دانش‌بنیان و فناوری‌محور می‌تواند زمینه‌ای برای صادرات دانش، فناوری و خدمات فنی در کنار سرمایه‌گذاری در تولید خارجی باشد.

در نهایت، کشت فراسرزمینی نه نسخه‌ای برای کنار گذاشتن کشاورزی داخلی است و نه تضمینی برای عبور بدون هزینه از بحران. کارکرد اصلی آن می‌تواند پراکنده‌کردن ریسک تولید و تأمین تقلا باشد. در شرایطی که جنگ و اختلال تجارت نشان داده‌اند امنیت غذایی فقط به میزان تولید وابسته نیست، ایجاد چندین نقطه تولید و چند مسیر دسترسی می‌تواند همانند یک بیمه اقتصادی عمل کند؛ بیمه‌ای که در روزهای عادی به تجارت و سرمایه‌گذاری کمک می‌کند و در روزهای بحران، بخشی از فشار بر زنجیره تأمین داخلی را کاهش می‌دهد.

faezeh.heidari۱۷v@gmail.com

معاون وزیر اقتصاد خبر داد:

شناسایی املاک ۳۸۶ همتی دولت برای مولدسازی

مدیرعامل سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی از شناسایی ۳۰۷۱ ملک و پلاک ثبتی به ارزش تقریبی ۳۸۶ هزار میلیارد تومان در چارچوب برنامه مولدسازی دارایی‌های دولت خبر داد و گفت: ارزش نهایی این املاک پس از آماده‌سازی و انجام کارشناسی‌های به‌روز، می‌تواند بیش از رقم برآوردشده فعلی باشد.

به گزارش زمان به نقل از سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، احسان عسکری با اشاره به آخرین وضعیت املاک شناسایی‌شده برای مولدسازی اظهار کرد: این املاک لزوماً بلااستفاده نیستند و برخی از آنها مورد استفاده قرار دارند، اما امکان بهره‌برداری بهینه‌تر و ایجاد ارزش افزوده برای آنها وجود دارد.وی افزود: از مجموع ۳۰۷۱ املاک شناسایی‌شده، ۸۴۱ ملک به ارزش حدود ۱۲۰ هزار میلیارد تومان تمیین تکلیف شده و ارزش‌گذاری و تصویب قیمت برای آنها در مقاطعی انجام شده است. این املاک باید با برگزاری مزایده و طی سایر مراحل قانونی، به سمت مولدسازی نهایی و ایجاد درآمد برای دستگاه بهره‌بردار و دولت هدایت شوند.عسکری ادامه داد: تا کنون ۱۷۹ ملک به ارزش حدود ۳۸ هزار میلیارد تومان مولدسازی شده است که در این میان از روش‌هایی مانند تهاتر، واگذاری و معاوضه استفاده شده است.

مدیرعامل سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی با بیان اینکه ابزارهای جدیدی برای توسعه مولدسازی باید مورد توجه قرار گیرد گفت: تشکیل صندوق‌های املاک، انتشار اوراق بدهی مبتنی بر دارایی‌های ملکی، خرد کردن دارایی‌های بزرگ و حتی توکن‌سازی و تبدیل دارایی‌ها به سهام قابل معامله از جمله روش‌هایی است که می‌تواند در ادامه مسیر مورد استفاده قرار دادوی همچنین از وجود حدود ۶۳۰ پروژه مصوب مولدسازی خبر داد و افزود: این پروژه‌ها در مجموع با حدود یک‌هزار و ۲۴۳ ملک متناظر هستند و بخشی از این املاک در سال‌های اخیر واگذار شده یا برخی پروژه‌ها از اولویت اجرایی خارج شده‌اند.عسکری ادامه داد: طبق برنامه‌ریزی صورت گرفته مقرر شد، استان‌ها بازترمیم پروژه‌های خود را انجام دهند و پس از آن، املاک متناسب با این پروژه‌ها به آنها اختصاص یابد تا روند توسعه اقتصادی استان‌ها با سرعت بیشتری دنبال شود. وی با اشاره به پروژه‌های عمرانی نیمه‌تمام اظهار کرد: بر اساس بررسی‌های انجام‌شده در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، بیش از یکهزار پروژه وجود داشته که با وجود گذشت حدود ۳۰ سال از آغاز آنها، حتی به ۱۰ درصد پیشرفت نیز نرسیده‌اند.مدیرعامل سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی گفت: این موضوع نشان می‌دهد برخی از این پروژه‌ها از نظر اقتصادی توجیه لازم را ندارند یا با موانعی مواجه هستند که طی سال‌های گذشته امکان حل آنها فراهم نشده است.وی افزود: با همکاری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در سطح ملی و استان‌ها، این پروژه‌ها مجدداً بررسی خواهند شد و در صورتی که امکان احیاء واگذاری یا مولدسازی داشته باشند، در این مسیر قرار می‌گیرند؛ در تغیر این صورت، املاک مرتبط با آنها به فهرست املاک مازاد دولت اضافه خواهد شد.عسکری تأکید کرد: بخش خصوصی در صورت وجود متقاضی می‌تواند برای بسیاری از این پروژه‌های نیمه‌تمام برنامه مناسب‌تری نسبت به دولت ارائه کند؛ چراکه برخی از این پروژه‌ها طی چند دهه گذشته امکان جذب سرمایه‌گذاری جدید پیدا نکرده‌اند.معاون وزیر اقتصاد یکی از برنامه‌های اصلی مرکز مولدسازی دارایی‌های دولت را تقویض فرایند مولدسازی به استان‌ها عنوان کرد و گفت: بر اساس قوانین، آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های موجود، هدف این است که استان‌ها بتوانند حدود ۹۰ درصد پروژه‌ها از نظر تعداد را پیش ببرند که البته این پروژه‌ها حدود ۱۰ درصد ارزش کل را شامل می‌شوند، در مقابل، پروژه‌های بزرگ و ویژه که از نظر ارزش بیش از ۹۰ درصد ارزش کل پروژه‌ها را تشکیل دنبال خواهد شدوی سه ویژگی را برای این پروژه‌های بزرگ برشمرد و گفت: این پروژه‌ها به دلیل ارزش بالا می‌توانند سرعت دستیابی به اهداف مولدسازی را افزایش دهند، نیازمند بررسی و تصمیم‌گیری در سطح ملی هستند و از نظر آثار اقتصادی و اجتماعی، می‌توانند مسائل مهمی را از دوش مردم، دولت و مسئولان بردارند. عسکری با اشاره به برخی پروژه‌های شاخص مولدسازی اظهار کرد: پروژه‌های انتقال آب از خلیج فارس و دریای عمان به استان‌های مرکزی و کویرخوردار، بخشی از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، پروژه‌های اداری و همچنین برخی از انبارهای نفت در کشور از جمله طرح‌هایی هستند که از ظرفیت مولدسازی برای تأمین مالی آنها استفاده شده است.وی پروژه پل B1 را نیز از پروژه‌های موفق این حوزه دانست و گفت: با توجه به اتفاقات اخیر، لازم است برخی ابعاد این پروژه بازترمیم و جبران شود. اما این طرح یکی از نمونه‌های شاخص اجرای مولدسازی محسوب می‌شود.عسکری همچنین از وجود تعداد قابل توجهی پروژه درمانی در کشور خبر داد و گفت: بیش از ۵۰ واحد درمانی در نقاط مختلف کشور از محل ظرفیت‌های مولدسازی در حال اجرا یا تأمین مالی هستند.مدیرعامل سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی درباره سهم استان‌ها از مولدسازی نیز گفت: اگر سهم استان‌ها صرفاً بر اساس تعداد پروژه‌ها محاسبه شود، استان‌هایی مانند خراسان رضوی، تهران و گیلان سهم بالاتری خواهند داشت، اما اگر ارزش دارایی‌ها یا شاخص‌هایی مانند جمعیت و اندازه اقتصادی استان‌ها در نظر گرفته شود، نتایج متفاوت خواهد بود.عسکری با اشاره به آغاز مجدد فعالیت هیئت مولدسازی گفت: برنامه‌ریزی برای برگزاری نخستین جلسه هیئت آغاز شده و کمیته نیز مجدداً تشکیل خواهد شد.

نگاه روز

صادرکنندگان، قربانی اختلاف میان دولت و بخش خصوصی

احمد یادگادوست

در حالی که اختلاف بر سر تعهدات چند میلیارد دلاری دولت‌های گذشته به واردکنندگان کالاهای اساسی وارد مرحله تازه‌ای شده است، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های فعالان اقتصادی، تأثیر مستقیم این وضعیت بر صادرکنندگان و بازگشت ارز حاصل از صادرات است؛ موضوعی که می‌تواند هزینه تجارت خارجی را افزایش داده و انگیزه صادرات را بیش از گذشته کاهش دهد. بر اساس گزارشی که از جلسه مشترک مسئولین اول قوای سه‌گانه منتشر شده، بیش از پنج میلیارد دلار تعهد انجام‌نشده از گذشته در حوزه واردات کالاهایی همچون برنج، روغن، گوشت، ذرت و نهاده‌های دامی مطرح بوده که بخشی از آن در دولت چهاردهم تسویه شده و حدود ۴.۰۷ میلیارد دلار همچنان محل اختلاف و بررسی است. اما مسئله مهم‌تر این است که ریشه این تعهدات و نحوه تسویه آنها نباید به قیمت ایجاد تعهدات جدید برای صادرکنندگان تمام شود. صادرکننده زمانی می‌تواند به فعالیت خود ادامه دهد که بتواند هزینه‌های تولید، حمل‌ونقل، دستمزد، مواد اولیه، مالیات، بیمه و سایر هزینه‌های خود را با درآمد حاصل از صادرات پوشش دهد؛ در شرایطی که صادرکننده موظف است ارز حاصل از صادرات خود را طبق مقررات به چرخه اقتصادی کشور بازگرداند، هرگونه تصمیم‌گیری تغیرشفاف درباره نحوه رفع تعهدات ارزی می‌تواند مستقیماً بر تقدینگی و توان ادامه فعالیت او اثر بگذارد. مشکل زمانی جدی‌تر می‌شود که سیاست‌های ارزی دولت در طول چند سال گذشته عرضه و ارزش پول ملی نیز کاهش قابل توجهی داشته است. صادرکننده‌ای که کالا را در یک مقطع زمانی صادر کرده، تابعد با تغییرات بعدی سیاست ارزی، با تعهداتی مواجه شود که عملاً امکان ایفای اقتصادی آن را از بین ببرد. یکی از نکات مهم مطرح‌شده در جلسه اخیر، تفکیک مفهوم «بدهی دولت» از «تعهدات ناشی از سیاست‌های ارزی و تجاری» است. این تفکیک از نظر اقتصادی اهمیت زیادی دارد؛ اگر واردکننده‌ای بر اساس دستورالعمل رسمی دولت و با نرخ مشخص ارز، اقدام به واردات کرده و در مقابل دولت نیز تعهداتی برای تأمین ارز یا تسویه ایجاد کرده باشد، نمی‌توان بدون بررسی دقیق اسناد، قراردادها، میزان واردات، نحوه توزیع کالا و ایفای تعهدات طرفین، صرفاً یک رقم کلی را بدهی قطعی دولت تلقی کرد اما همین منطق باید در مورد صادرکنندگان نیز دقیقاً رعایت شود. اگر دولت در یک مقطع مقرراتی برای بازگشت ارز تمیین کرده و صادرکننده نیز بر اساس همان مقررات عمل کرده است، تغییرات بعدی نباید موجب شود تعهد جدیدی خارج از چارچوب قانونی بر صادرکننده تحمیل شود همین رویکرد باید در حوزه صادرات نیز اعمال شود. به جای برخورد کلی با صادرکنندگان، باید پرونده هر صادرکننده بر اساس میزان صادرات، تاریخ صادرات، نوع کالا، ارز دریافتی، مقررات حاکم در زمان صادرات و نحوه بازگشت ارز بررسی شود.مهم‌ترین خسارتی که استمرار چنین اختلافاتی ایجاد می‌کند، صرفاً یک رقم مالی نیست؛ بلکه کاهش اعتماد فعالان اقتصادی به سیاست‌های ارزی و تجاری کشور است. صادرکننده برای ورود به بازار خارجی باید بتواند حداقل چند ماه یا حتی چند سال آینده را پیش‌بینی کند اگر صادرکننده امروز بر اساس یک مقررات اقدام به صادرات کند اما در آینده با بخشنامه جدید، تغییر نرخ ارز، تغییر روش رفع تعهد یا ایجاد محدودیت تازه مواجه شود، ریسک فعالیت صادراتی به‌شدت افزایش پیدا می‌کند.در چنین شرایطی، طبیعی است که بخشی از صادرکنندگان ترجیح دهند سرمایه خود را وارد فعالیت‌هایی کنند که ریسک مقرراتی کمتری دارد. این اتفاق در نهایت به کاهش صادرات، کاهش ورود ارز، کاهش تولید و از دست رفتن بازارهای خارجی منجر خواهد شد. صادرات در اقتصاد ایران صرفاً یک فعالیت تجاری نیست؛ یکی از مهم‌ترین مسیرهای ورود ارز به کشور و حفظ ارتباط اقتصاد ایران با بازارهای جهانی است. بنابراین سیاست‌گذار باید میان تخلف واقعی و عملکرد صادرکننده‌ای که مطابق مقررات زمان خود عمل کرده است تفاوت قائل شود.اگر صادرکننده‌ای مرتکب تخلف شفاف شده، باید با او طبق قانون برخورد شود؛ اما نمی‌توان به دلیل تخلفات احتمالی برخی افراد، کل جامعه صادرکنندگان را با محدودیت‌های سنگین مواجه کرد. همان‌گونه که در پرونده تعهدات واردکنندگان، ضرورت حسابرسی دقیق مطرح شده است، در حوزه صادرات نیز باید اصل شفافیت، حسابرسی و رسیدگی موردی حاکم باشد. پرونده پنج میلیارد دلاری می‌تواند به جای تبدیل شدن به یک مناقشه جدید میان دولت و بخش خصوصی، فرصتی برای اصلاح ساختار سیاست‌های ارزی کشور باشد. راه‌حل پایدار این نیست که هر دولت، تعهدات دولت قبل را به شکل دیگری مدیریت کند و صادرکننده و واردکننده هر بار منتظر بخشنامه جدید باشند. لازم است یک نظام شفاف ایجاد شود که در آن فعال اقتصادی از ابتدا بداند: با چه نرخی ارز دریافت می‌کند، چه تعهدی دارد، چگونه باید آن را ایفا کند و در صورت تغییر سیاست‌های دولت چه حقوقی خواهد داشت.همچنین باید برای قراردادها و تعهدات ارزی، اصل ثبات مقررات رعایت شود؛ زیرا فعال اقتصادی نمی‌تواند قراردادی را که بر اساس قوانین امروز منعقد کرده است، با مقرراتی که چند سال بعد تصویب می‌شود محاسبه کند. اختلاف بر سر تعهدات میلیاردی دلاری گذشته، یک پیام مهم برای سیاست‌گذار دارد: اقتصاد ایران بیش از هر چیز به ثبات، شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری نیاز دارد. اگر قرار است حسابرسی انجام شود، باید برای همه طرف‌ها انجام شود؛ هم واردکننده، هم صادرکننده و هم دستگاه دولتی. اگر قرار است تعهدی پرداخت شود، باید مستند و قانونی باشد و اگر قرار است تعهدی از فعال اقتصادی مطالبه شود، باید بر اساس قوانین و مقرراتی باشد که در زمان انجام فعالیت اقتصادی برای او وجود داشته است.صادرکننده نباید هزینه تصمیمات ارزی دولت‌های گذشته را بپردازد؛ همان‌طور که دولت نیز نباید بدون حسابرسی، هر ادعایی را به عنوان بدهی قطعی بپذیرد. راه عبور از این بحران، تقابل دولت و بخش خصوصی نیست؛ شفافیت حساب‌ها، رعایت قانون و ایجاد یک نظام ارزی باثبات و قابل پیش‌بینی است.

zamanagahi@chmail.ir

خبر

عرضه ۵۰۰ میلیون دلار اسکناس به شبکه بانکی

بانک مرکزی در راستای مدیریت بازار ارز و با هدف تقویت عرضه اسکناس و تسهیل دسترسی متقاضیان حقیقی و حقوقی، نخستین مرحله عرضه اسکناس ارز به شبکه بانکی را از دیروز آغاز کرد.

به گزارش زمان به نقل از بانک مرکزی، در این مرحله ۵۰۰ میلیون دلار اسکناس در اختیار بانک‌های متقاضی قرار می‌گیرد تا از طریق شعب منتخب و صرافی‌های بانکی به متقاضیان عرضه شود. بر این اساس، تمام اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند با مراجعه به شعب منتخب بانک‌های عامل، نیاز خود به اسکناس ارز را از مسیر رسمی شبکه بانکی و در چارچوب سقف‌های تمیین شده، تأمین کنند.بانک مرکزی در صورت افزایش سفارش‌های ثبت‌شده از سوی شبکه بانکی، آمادگی دارد حجم عرضه اسکناس را متناسب با میزان تقاضای ثبت‌شده افزایش دهد.مورد ۵۰۰ میلیون دلار اسکناس به شبکه بانکی در نخستین مرحله، در حالی انجام می‌شود که بانک مرکزی بر تقویت عرضه و پاسخگویی به تقاضای واقعی بازار از مسیر رسمی تأکید دارد؛ اقدامی که می‌تواند دسترسی متقاضیان به ارز را افزایش داده و از شکل‌گیری تقاضای هیجانی و نرخ‌های تیروقفی در بازار جلوگیری کند.همچنین این عرضه محدود به رقم ۵۰۰ میلیون دلار نخواهد بود و در صورت نیاز شبکه بانکی، امکان افزایش حجم فروش وجود دارد.